



کشور را تغییر می دهد تبدیل به نقطه عطفی در سینمای ایران می شود که دیگر هیچ کس قادر نیست وضعیت را به پیش از آن بازگرداند.

سی مین جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۹۰

یک ماه از امضای حکم تعطیلی خانه سینما توسط وزیر ارشاد وقت پس از اعتراض های سیاسی - حقوقی حول و حوش این نهاد صنفی می گذرد. نامه های سرگشاده اعتراضی و بیانیه ها صادر می شوند اما دولت قصد عقب نشینی ندارد. این اولین بار است که درگیری های نزدیک به جشنواره که ممکن است روی آن اثر بگذارد مستقیم درون خانه سینمایی ها دارد اتفاق می افتد. حضور «نارنجی پوش» مهرجویی با نقدی ضمنی به رویکرد اصغر فرهادی در فیلم «جدایی نادر از سیمین» در محافل سینمایی بحث برانگیز و مهرجویی سبیل منتقدانی شده که خاستگاه نگاه شان در نقد و تحلیل فیلم اساسا سیاسی است. اما تعداد فیلم های منتقدان سیاسی هم در جشنواره کم نیست. «خوابم میاد» رضا عطاران، «پل چوبی» کرم پور و «پذیرایی ساده» مانی حقیقی باز بر متن های نقد سیاسی، «بوسیدن روی ماه» همایون اسعدیان با نقد مستقیم بنیاد شهید و تصویر کلیشه ای از شهدا، «ملکه» محمدعلی باشه آهنگر با رویکرد ضد جنگ، «برف روی کاج ها» اولین اثر پیمان معادی به عنوان کارگردان با روایتی تجدیدنظر طلبانه به دهه ۶۰ «گشت ارشاد» سعید سهیلی با طنزی زرد و عامه پسند اما هدمند نسبت به پدیده بحث برانگیز گشت ارشاد، هر کدام به نحوی جریان های سیاسی و اجتماعی جامعه را در جشنواره نمایندگی می کنند. برخلاف تصور، جشنواره ای در سال های آخر دولت دهم، نه تنها بسته نیست و سینماگران از حضور در آن بازمانده اند بلکه انتقادهای زیرمتنی و ضمنی در ادبیات و لحن آثار رشد کرده و همگی به جشنواره راه یافته اند. دولت دهم تلاش می کند دست کم با تغییر در رویکرد مدیریت جشنواره نام خود را به عنوان ضد توقیف ترین دوره در حوزه سینما در تاریخچه ادوار جشنواره به ثبت برساند.

سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۹۸

تنها سه ماه از افزایش قیمت بنزین و سهمیه بندی و وقایع دامنه دار خونین پس از آن گذشته و جشنواره فجر قرار است در التهاب های انگار خاموش نشدنی برگزار شود. ۱۳ دی ماه آمریکا با حمله تروریستی و غافلگیرانه، سردار سلیمانی را به شهادت رسانده و جامعه در شوک هر دو اتفاق قرار دارد. زمزمه های شیوع یک بیماری خاموش در برخی کشورهای دور دست و احتمال نفوذ آن به ایران هم شنیده شده که می رود تا تبدیل به مهم ترین بحران جهانی تا دو سال بعد شود. از هر سو که حساب کنیم جشنواره سی و هشتم با هیچ دوره ای قابل قیاس نیست. مشکلات اقتصادی دامنه دار و فشار تحریم ها، شکاف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پس از وقایع آبان را تشدید کرده اما موج خروشان حضور مردم در تشییع سردار سلیمانی و نفرت عمومی از اقدام آمریکا، انگار آبی بر آتش ها ریخته و همه را به نقطه اتحاد باز گردانده است. با این حال هیچ یک از دو اتفاق برای اهالی متفکر حوزه فرهنگ و سینما قابل فراموشی نیستند. تیم وزارت ارشاد دولت تدبیر و امید تلاش می کند با عادی سازی شرایط از همه بحران ها عبور کند و بر همین اساس سانس آخر جشنواره را هم برای تماشای دربی استقلال و پرسپولیس در سینماها خالی می کند. «خورشید» مجید مجیدی و «شنای پروانه» محمد کارت در ادامه دغدغه های اقتصادی سال های اخیر به حاشیه شهرها و طبقات فرودست و کودکان کار رفته اند و در جشنواره هم مورد استقبال قرار گرفته اند. دیگر چندان خبری از سروصدا درباره «سیاه نمایی» نیست هر چند برخی گروه ها از مجیدی بابت پایان بندی تلخ و نه چندان امیدوارانه اش راضی نیستند. «خروج» حاتمی کیا اما در این فضا تلاش می کند نه در برابر وضعیت اقتصادی ساکت بماند و نه به نفع فروش امید، واقعیت ها را انکار کند؛ او مطالبه گری را حتی به قیمت راندن با تراکتور به سمت پاستور انتخاب کرده اما فیلمش چندان مورد استقبال قرار نمی گیرد. «روز صفر» ملکای، سینمای معمایی - جاسوسی را به مرحله جدیدی وارد کرده اما در مقابل «درخت گردو» می مهدویان که با همین ژانر در سینما دیده شده بود، حالا وارد فاز انتقاد اجتماعی - سیاسی شده است. حضور «پوست» به عنوان اثری شاخص در ژانری متفاوت، و پترین متنوع سینمای ایران در سال سی و هشتم را تکمیل می کند. جشنواره بار دیگر بر التهابی که فکر می کرد عبور از آن ممکن نباشد، پیروز می شود.